

بسم الله الرحمن الرحيم

## درس خارج

## اصول فقه

جلسه پنجاه و هشتم

۹۳/۱/۲۴

هیئت جمله چند نوع است:

۱- ناقصه

۲- تامه

الف: تامه خبری

اسمی

فعلی

مزدوجه؛ مرکب از دو جمله اسمی و فعلی

ب: تامه انشایی

بحث امروز در هیئات جمل ناقصه است که ابتدا در قواعد دلالات جمل ناقصه بحث می شود:

در چند مطلب پی می گیریم:

**مطلب اول؛ ملاک نقصان و تمام:**

مطلب اول در مورد ملاک نقصان و تمام جمله است. چرا به هیئت جمله ناقصه، وصف نقصان داده می شود؟ و در مقابل به هیئت جمله تامه، وصف تمام داده می شود؟ بحث هایی برای تبیین این ملاک صورت گرفته است که بخاطر طولانی شدن بحث، به آنها وارد نمی شویم.

اما آنچه حق است و ملاک نقصان و تمام است. در جمله ناقصه طرفین نسبت با هم ترکیب شده و تبدیل به طرف واحد می شود و لذا هیئات جمل ناقصه، خالی از حکم بین طرفین است. دو طرف را ترکیب کند و مفهوم واحد را از آنها به دست آورد.

اما ملاک جمل تامه، این است که حکمی بین دو طرف باشد که طرفی را بر طرف دیگر - چه در شکل جمل خبریه یا جمل انشایی - حمل کند.

در جمله ناقصه، نسبت به نحوی است که طرف نسبت را تبدیل به یک طرف می‌کند. در غلام زید، یک غلام و یک زیدی وجود دارد که دو مفهوم جدا هستند؛ اگر بین آن دو مفهوم، نسبت تامه برقرار شود مثل الغلام زید که دو طرف نسبت، به هم ربط پیدا می‌کند، به نحوی که دو طرف نسبت به حال خود باقی می‌ماند؛ اما اگر بین آن دو مفهوم، نسبت ناقصه برقرار شود مثل غلام زید که دو طرف مفهوم به نحوی به هم ربط پیدا می‌کنند که این دو مفهوم، تبدیل به یک مفهوم واحد می‌شود. این در مورد مضاف و مضاف الیه بود. در مورد وصف و موصوف - الرجل العالم - هم چنین است، به نحوی که دو مفهوم رجل و عالم را تبدیل به یک مفهوم می‌کند. ولی در جمله تامه - الرجل عالم - چنین نیست، بلکه دو مفهوم رجل و عالم، با اینکه به هم مرتبط شده‌اند، ولی به حال خود باقی می‌مانند.

### مطلب دوم؛ اقوال در ملاک جمل ناقصه:

مفاد هیئت در جمل ناقصه چیست؟ در این مورد نظرات مختلفی بیان شده است که بررسی می‌شود.

#### قول اول؛ محقق خویی

خویی هیأت جمل ناقصه را یک کاسه کرده و چه جمل ناقصه اضافیه و وصفیه، هیئت را دال بر تخصیص می‌داند. این مبنای ایشان در معانی حروف است که نسب ناقصه را مطلقا - اضافی یا وصف - دال بر تخصیص می‌داند.

هر مفهومی که تصور شود مثل مفهوم حجر و انسان، که حصصی دارد حجر بزرگ و کوچک و مستحکم و نرم و ... که حصه‌هایی دارد. هر مفهوم کلی دارای حصص است. کار هیئات ناقصه این است که بر حصه کردن آن مفهوم کلی دلالت می‌کند.

زید در مثال زید در مسجد، زید در مدرسه و زید در بازار، با حرف «در» حصه حصه می‌شود. کار نسب هم مثل حروف، حصه حصه کردن مفاهیم است، مثل کتاب زید، که نسبت اضافی، کتاب را به حصه زید نسبت می‌دهد. در هیئت وصفی الکتاب المفید، نسبت وصفی، کتاب را به حصه مفید - در مقابل حصه غیر مفید - نسبت می‌دهد.